



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تماس با مشاوران ما، با شماره گیری

۹۰۹۹۰۷۵۳۰۵

از طریق تلفن ثابت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

علوم و فنون ادبی (۲)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی — علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

علوم و فنون ادبی (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۳

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

محمی الدین بهرام محمدیان، حسین قاسم‌پور مقدم، رضا مراد صحرانی، عباسعلی وفائی، سهیلا صلاحی مقدم، مریم عاملی رضائی، شهین نعمت‌زاده، مریم دانشگر، محمدرضا سنگری، شهناز عبادتی، حجت حصاری کجانی، ملاحت نجفی عرب، نادر یوسفی و محمد نوریان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

حسین قاسم‌پور مقدم، فریدون اکبری شلدره، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم‌داری، غلامرضا عمرانی، علی‌اکبر کمالی نهاد و علی واسوجویباری (اعضای گروه تألیف) - حسین داودی (ویراستار)

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه یعقوبی نیا (صفحه‌آرا) - مرضیه اخلاقی، سیف‌الله بیگ محمد دلیوند، حسین قاسم‌پور مقدم، کبری اجابتی، مریم دهقان‌زاده و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۲۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۲۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

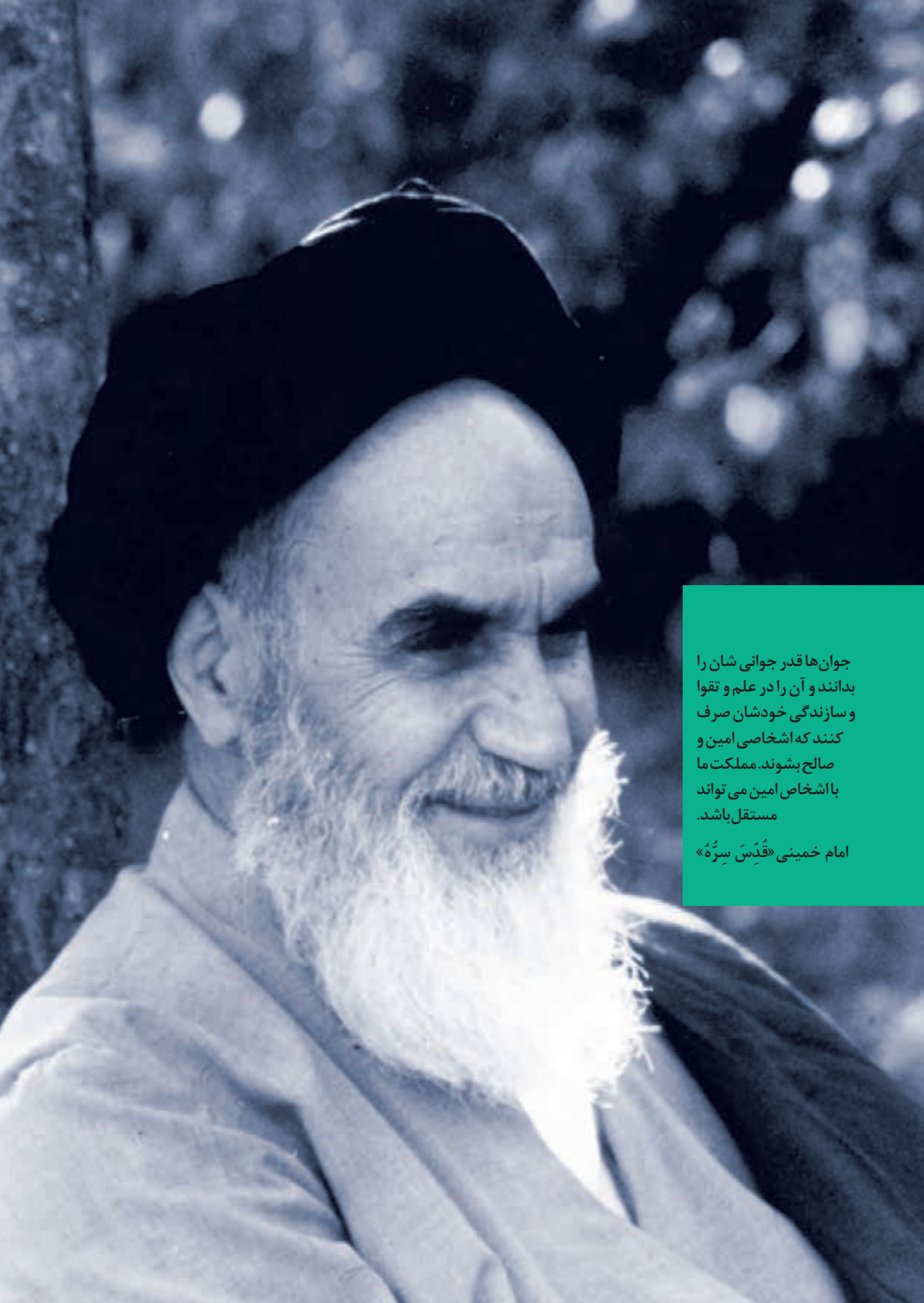
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ دهم ۱۴۰۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۸-۹

ISBN: 978-964-05-2768-9



جوان‌ها قدر جوانی‌شان را
بدانند و آن را در علم و تقوا
و سازندگی خودشان صرف
کنند که اشخاصی امین و
صالح بشوند. مملکت ما
با اشخاص امین می‌تواند
مستقل باشد.

امام خمینی «قَدِسَ سِرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

۶ پیشگفتار: سخنی با دبیران ارجمند

۱۰ ستایش: الهی

۱۱ فصل یکم:

۱۲ درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

۲۰ درس دوم: پایه‌های آوایی

۲۶ درس سوم: تشبیه

۳۳ کارگاه تحلیل فصل

۲۵ فصل دوم:

۳۶ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

۴۲ درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

۵۱ درس ششم: مجاز

۵۵ کارگاه تحلیل فصل

۵۷ فصل سوم:

۵۸ درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم

۶۳ درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)

۷۱ درس نهم: استعاره

۷۷ کارگاه تحلیل فصل

۷۹ فصل چهارم:

۸۰ درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی)

۸۸ درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دو لختی

۹۵ درس دوازدهم: کنایه

۱۰۰ کارگاه تحلیل فصل

۱۰۸ نیایش

۱۰۹ منابع



پیشگفتار

سخن با دبیران ارشد

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد؛ چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است. ادب و فرهنگ ایران اسلامی، عصاره افکار و اندیشه‌های ملتی فرهیخته و دانشور است که در نشیب و فراز حادثه‌ها، با تکیه بر باورهای ریشه‌دار خویش، میراثی ارجمند و گران سنگ را به یادگار گذاشته است. توانایی و مهارت در خوانش، بررسی و تحلیل این آثار ارزشمند، خواننده را با گنجینه گران‌بهای متون ادبی گذشته و امروز آشنا می‌سازد و او را به سیر و سلوک در آفاق روشن و گسترده معرفت و حقیقت توانمند می‌نماید. برای تحقق این هدف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، بایسته و شایسته است دانش‌آموزان ضمن آشنا شدن با علوم ادبی، در فنون ادبی نیز مهارت لازم را کسب کنند تا از این طریق بتوانند در زندگی خود با آثار ادبی برخوردی مناسب داشته باشند.

بر این اساس، کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم، از چهار فصل تشکیل شده است. محتوای هر فصل نیز شامل سه درس به صورت



ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است:

■ **درس یکم:** تاریخ ادبیات و سبک شناسی؛

■ **درس دوم:** موسیقی شعر؛ (عروض)

■ **درس سوم:** زیبایی شناسی شعر. (آرایه های ادبی)

هر فصل با درس تاریخ ادبیات یا سبک شناسی آغاز می شود. در درس های تاریخ ادبیات و سبک شناسی، سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی از قرن هفتم تا یازدهم تبیین می شود و در کنار ویژگی های تاریخی، به ویژگی های سبکی آثار نظم و نثر ادبی نیز پرداخته می شود. به این ترتیب خواننده با ویژگی های زبانی، ادبی و فکری متون ادبی آشنا می شود. بدین ترتیب در هر فصل بعد از تاریخ ادبیات یا سبک شناسی، یک درس عروض آموزش داده می شود تا خواننده با یادگیری آن بتواند در برخورد با متون نظم وزن آن را تشخیص دهد، سپس درس سوم هر فصل به زیبایی شناسی می پردازد. در زیبایی شناسی دانش آموز با سطحی دیگر از قلمرو ادبی؛ یعنی با عناصر علم بیان (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) آشنا می شود و آموخته هایش را در متون ادبی به کار می بندد.

برای تعمیق آموخته ها مجموعه فعالیت هایی در متن و پایان درس ها و فصول طراحی و تدوین شده است. فعالیت های متن درس مطالب خاصی را در حین آموزش دنبال می کند. فعالیت های پایان دروس دانش آموز را به کسب مهارت در فنون ادبی آموخته شده ترغیب می کند. فعالیت های پایان فصول نیز با عنوان کارگاه تحلیل، نمونه هایی در اختیار خواننده می گذارد تا موارد آموخته شده در کل فصل را به طور عملی به کار بندد. نمونه های طرح شده در فعالیت ها، برگرفته از متون ادبی است و با محتوای درس کاملاً پیوسته است که انجام دقیق این تمرین ها به درک و فهم بهتر متن، کمک می کند.

به همین منظور و برای اثربخشی بهتر فرایند آموزش، توجّه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می کنیم:

■ **رویکرد خاص برنامه فارسی آموزی، رویکرد مهارتی است؛** یعنی بر آموزش و تقویت مهارت های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب های فارسی دوره



ابتدایی، دوره متوسطه اول و پایه دهم است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

■ رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحی و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی — یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

■ با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد، کالبدشکافی عملی متون است. در این بخش فرصت می‌یابیم تا متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم فراگیران را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبدشکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

۱. قلمرو زبانی

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این رو، آن را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم: الف) سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، نوع ساختمان (ساده، مشتق و مرکب)، روابط معنایی کلمات از قبیل ترادف، تضاد، تضمن، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی می‌شود. ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستور تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

۲. قلمرو ادبی

در اینجا، شیوه نویسنده در به کارگیری عناصر زیبایی‌آفرین در سطح‌های زیر، بررسی می‌شود: الف) سطح آوایی یا موسیقایی: در این مرحله، متن را از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی مثل واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس، و... بررسی می‌کنیم. ب) سطح بیانی: بررسی متن از دید مسائل علم بیان نظیر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه؛ پ) سطح بدیع معنوی: بازخوانی متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظیر و ...

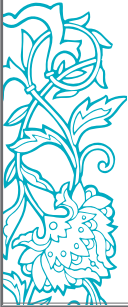


۳. قلمرو فکری

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، بررسی می‌شود.

- در آموزش، به‌ویژه، در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش‌آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد.
- به منظور تسهیل، تحکیم و غنی‌سازی آموزش و یادگیری در ابتدای هر فصل از کتاب رمزینه‌های سریع پاسخ گنجانده شده است که دانش‌آموزان با اسکن کردن رمزینه‌ها از محتوای آموزشی آن بهره‌مند می‌شوند.

امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده سازان ایران عزیز بینجامد.



گروه زبان و ادبیات فارسی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



نظرسنجی کتاب درسی



ستایش

الهی!

الهی شعلۀ شوقم فزون ساز	مرا آتش کن و در عالم انداز
الهی ذره‌ای آگاهی‌ام بخش	رهم بنما و بر گمراهی‌ام بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز	چراغ چشم ادراکم برافروز
عطا کن جذبۀ شوق بلندی	که نه دمی به ره ماند نه بندی
خرد را چاشنی بخش از کلامم	زبان را چرب و شیرین کن به کامم
دلم را چشمۀ نور یقین ساز	در این تاریکی‌ام باریک‌بین ساز



طالب‌أملی

فصل یکم

درس یکم تاریخ ادبیات فارسی در قرن های هفتم، هشتم و نهم

درس دوم پایه های آوایی

درس سوم تشبیه

* کارگاه تحلیل فصل



درس یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن های هفتم، هشتم و نهم

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن های اولیه هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم کم «سبک عراقی» پدید آمد.

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال، سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هـ.ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب های عمده ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم الدین کبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول، کشته شدند. کمال الدین اسماعیل، مداح جلال الدین خوارزمشاه که





خود در سال ۶۳۵ هـ. ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد، درباره قتل عام سال ۶۳۳ هـ. ق. در اصفهان می‌گوید:

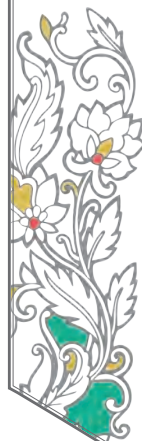
کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بد گرید
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید

با حمله ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانه تیمور و حکومت ظالمانه این دو، نه تنها بناها و آبادانی‌ها، بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تباه و ویران گردید و دوستداران فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوّف پناه بردند تا به آرامش برسند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی، ترویج روحیه تسامح^۱ و تساهل^۲، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت. در اواخر دوره مغول، بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله، برچیده شد و با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از حمله مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد. (اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ...) بودند. وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از درباره‌های ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای

۱. مدارا

۲. آسان گرفتن بر یکدیگر



تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کمرنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

نثر در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی: «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر: «پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود.

معروف‌ترین شاعران و نویسندگان این دوره:

■ مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی

از شاخص‌ترین شاعران عارف است که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در مثنوی معنوی و دیوان شمس، بسیاری از معارف بشری و مسایل عرفانی را بیان کرده است. از میان آثار منشور مولانا، فیه ما فیه و مجالس سبعه را مولانا گفته و شاگردان نوشته‌اند و مکاتیب، مجموعه نامه‌های مولانا به قلم خود اوست. اثر اخیر سبک نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می‌سازد.

■ سعدی

فرمانروای ملک سخن، سی و پنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید و گلستان را به نثر مسجع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن‌گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد



شاعران و نویسندگان فارسی زبان است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

■ فخرالدین عراقی

از دیگر شاعران نام‌آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است. او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

■ نجم‌الدین رازی (معروف به نجم دایه)

از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره است. او کتاب مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد، در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا برخوردار است.

■ عطاملک جوینی

از نثرنویسان این دوره است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

■ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او جامع‌التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.



■ شمس قیس رازی

از نویسندگان زبردست این دوره است و اثر معروفش، المعجم فی معاییر اشعار العجم، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود که نشر او در مقدمه مصنوع و در اصل کتاب، ساده و عالمانه است.

■ قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصّبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن اینکه عراق عجم و مهم‌تر از آن شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رفت. از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی را در پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجه و حافظ، به سستی گرایید.

■ خواجهی کرمانی

از غزل‌پردازان برجسته این دوره است؛ شاعری که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیر گذار بوده است.

خواجه چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان‌دهنده استادی او در شاعری است. شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.

■ ابن یمین

شاعر عصر سربداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است. وی در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد:

مرد آزاده در میان گروه گر چه خوش‌خو و عاقل و داناست،



محترم آنگهی تواند بود که از ایشان به مالش استغناست
وان که محتاج خلق شد، خوار است گر چه در علم، بوعلی سیناست

■ حافظ

از شاعران سرآمد قرن هشتم است. او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح طلبی است. در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت الغزل معرفت» است:

شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

■ سلمان ساوجی

از دیگر شاعران این قرن است که در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته و دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است. مثنوی جمشید و خورشید او به شیوه داستان های نظامی سروده شده است.

■ عبید زاکانی

شاعر خوش ذوق و آگاهی است که نکته یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که ناملایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می کشید.

او در منظومه موش و گربه ناهنجاری های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است. این شوخ طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و رساله دلگشا، اخلاق الاشراف و صدپند از آن جمله اند.

■ حمدالله مستوفی

از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب تاریخ گزیده است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ ه.ق. در بر می گیرد.





قرن نهم

بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حملهٔ بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن ابنیهٔ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیلهٔ تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه را که پس از حملهٔ مغول سالم یا نیمه سالم مانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت.

تیموریان تقریباً از نیمهٔ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت. البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهایی چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت، کسانی مانند جامی و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هرچند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود. بایسنقر میرزا پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثار ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

■ جامی

معروف‌ترین شاعر این قرن، کتاب بهارستان را به تقلید از گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات‌الانس خود نیز شیوهٔ تذکرة‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفة‌الاحرار یکی از آنهاست:

گفت به مجنون صمنی در دمشق کای شده مستغرق دریای عشق



عشق چه و مرتبهٔ عشق چیست؟ عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس گفت که ای محو امید و هراس
نیست به‌جز عشق در این پرده کس اوّل و آخر همه عشق است و بس

■ شاه نعمت‌الله ولی

از دیگر شاعران قرن نهم است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسلهٔ صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

■ دولتشاه سمرقندی

از نویسندگان این قرن است که تذکرة دولتشاه را به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

خودارزیابی

۱. حملهٔ مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟
۲. دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.
۳. شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.
۴. فکر و اندیشهٔ غالب بر آثار مولانا جلال‌الدین را بیان کنید.
۵. چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.
۶. کدام یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟
۷. جدول زیر را تکمیل کنید:

نام نویسنده	نوع نثر کتاب	موضوع و محتوا
گلستان		
مرصاد العباد		
تاریخ جهانگشا		

درس دوم

پایه‌های آوایی

به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدن واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید.



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌ای نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه‌سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رساند که معمولاً، گوشنواز و دلنشین‌اند.

کلام منظوم یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ هماهنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید



بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم. در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم.

بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساریان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتیم، با دل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او، دراستخوانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود

سعدی

اکنون همین شعر را بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای سا رِ بان	آهس تِ ران	کا را مِ جا	نم می رَ وَد
وان دِل کِ با	خُد دا شِ تَم	با دِل سِ تا	نم می رَ وَد

همان‌گونه که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. پایه‌ها، به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ آنها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. وزن شعر درحقیقت حاصل چینش منظم این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

۱ هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بروی گمارد

هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد

سعدی

هَرکِ چی زی	دو ست دا رَد	جا نِ دِل بَر	وی گُ ما رَد
هَرکِ مَح را	بَش تُ با شی	سَر ز خَل وَت	بَر نِ یا رَد



۲ ز کوی یار می آید، نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی

حافظ

ز	کوی	یا	ر	می	آ	ید	ن	سی	م	با	د	نو	رو	زی	
آ	زین	با	در	م	دَد	خا	هی	چ	را	غ	دِل	بَ	رَف	رو	زی

۳ خدایا تو دانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه می شد؟

مولوی

خُ	دا	یا	تُ	دا	نی	کِ	بر	ما	چِ	آ	مَد
خُ	دا	یا	تُ	دا	نی	کِ	ما	را	چِ	می	شُد

۴ یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

یا	ر	مَ	را	غا	ر	مَ	را	عِش	قِ	چِ	گَر	خا	ر	مَ	را
یا	ر	تُ	یی	غا	ر	تُ	یی	خا	جِ	نِ	گَه	دا	ر	مَ	را

با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه ها (ارکان)، درمی یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ های پایان هر پایه یا رکن مرز پایه های آوایی را به ما نشان می دهند. پی هم قرار گرفتن پایه های آوایی و درنگ هایی که در پایان هر پایه می آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت ها پدید می آورد.

چگونگی تفکیک پایه ها و خوانش بیت ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می دهند؛ این نظم سبب درک پایه های آوایی و لذت بردن از موسیقی متن می شود.

خودارزیابی



۱ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

(الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو
بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

مولوی

.....	دَرِ باغِ شا		
.....		شادی خُرد	

(ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده
وحشی بافقی

.....		جَ بینِ نه
.....		زَ با نَم را

سعدی

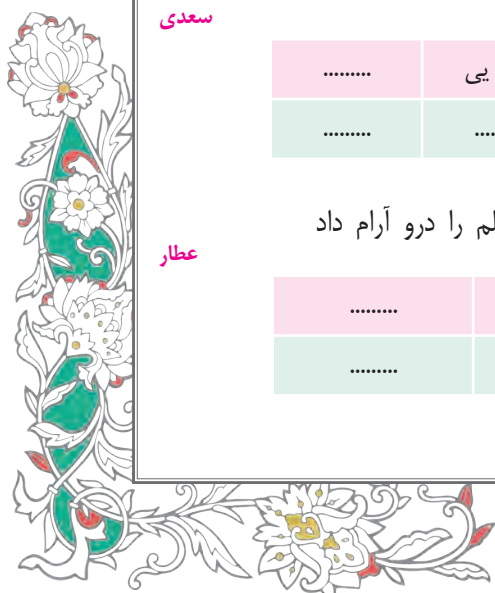
(پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند

.....		رَ های	
.....		نَ جو یَد	

عطار

(ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد

.....		را بِ حِکَمَت	
.....			



(ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

حافظ

.....		بَ رَ فْ شَا نِی	
.....	مُ طَرَحِی نُو		

۲ با خوانش درست بیت‌ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طراحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید.

(الف) یارب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده

صائب

(ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پشش گوش دارد کسی

سعدی

(پ) باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد

با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

سعدی

(ت) هر کسی را سیرتی بنهادهام هر کسی را اصطلاحی داده‌ام

مولوی

(ث) مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید

فخرالدین عراقی

۳ با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید.

(الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست

کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم

حافظ



مَنْ كِ دَا رَم	دَرِ گِ دَا یِی		نِی بَ دَسْت
كِي طَ مَعَ دَر			وَر كُ نَم

ب) من امشب آمدستم وام بگذارم حسابت را کنار جام بگذارم

اخوان ثالث

مَ نِمِ شَبِ آ		
.....	كِ نَا رِ جَا	مِ بَگِ ذَا رَم

۴ پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.



درس سوم



شاعران و نویسندگان به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید.	۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲. مروارید باران از چشم ابر چکید. ۳. بهاران که شباش ریزد سپهر به دامن گلشن ز رگبارها
خورشید طلوع کرد.	۱. گل خورشید شکفت. ۲. پادشاه مشرق چهره نمود. ۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.





از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم‌ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

اکنون این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

گلستان سعدی

در این نمونه سعدی با همانند کردن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم تشبیه کرده است و ویژگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. ادعای همانندی میان دو یا چند چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند. بهره‌گیری از تشبیه، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا

مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱ مشبیه:

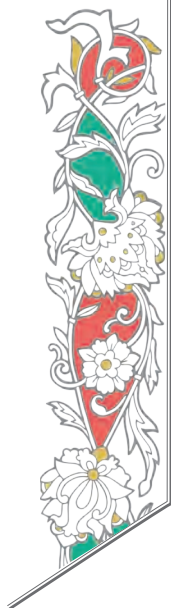
پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «ایام گل» در مصراع زیر:
ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

حافظ

۲ مشبیه‌به:

پدیده‌ای است که مشبیه را به آن مانند می‌کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:
تو هم چون گل ز خندیدن لب‌ت با هم نمی‌آید.

سعدی



۳ وجه شبه:

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه به است که در مشبّه به پررنگ تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در مصراع زیر:

گرت زد دست بر آید چو نخل باش، کریم.

گلستان سعدی

۴ ادات تشبیه:

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به سان، به کردار و... از این دسته‌اند؛ برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ادات تشبیه‌اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است

مولوی

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص می‌کنیم:

● بلم آرام چون قویی سبک‌بار به نرمی بر سر کارون همی رفت

مشبّه وجه ادات مشبّه به

شبه تشبیه

فریدون توللی

● شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ

مشبّه

مانند یک تصوّر مشکوک

ادات تشبیه مشبّه به

پیوسته در تراکم و طغیان بود.

وجه شبه

فروغ فرخزاد

● و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود.

مشبّه ادات مشبّه به تشبیه

سهراب سپهری

انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.



(الف) تشبیه گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه به ضروری است؛ اما وجه‌شبه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا بر جاست

گر بی‌فروزش، رقص شعله‌اش در هر کران پیداست

ور نه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

در شعر بالا سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات تشبیه حذف شده است.

مثال‌های دیگر:

نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو، سبز می‌ایستد.

منوچهر آتشی

سینه باید گشاده چون دریا تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز

هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا هر چهار رکن تشبیه وجود دارد.

(ب) تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه به دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت: ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیاست، تو چراغ دینی.

کشف الاسرار میبدی

حذف وجه شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر اضافی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیر اضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند): برای مثال:



کیمیای سعادت (اضافی)

سعادت، کیمیا است. (غیراضافی)

در مثال‌های زیر:

(الف) دست‌از‌مس‌وجود‌چو‌مردان‌ره‌بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

حافظ

(ب) آتش خشم اول در خداوند خشم افتد؛ پس آنگه زبانه به خصم رسد یا نرسد.

گلستان سعدی

وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند.

(ج) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری تو یار غمگساری، تو حور دلربایی

فرخی سیستانی

در این بیت نیز معشوق به سرو، لاله و حور تشبیه شده است.

چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سعدی

نگارش دهد گلبن جویبار در آیینۀ آب رخسارها

علامه طباطبایی

مادری دارم بهتر از برگ درخت / دوستانی بهتر از آب روان / و خدایی که در این نزدیکی است.

سهراب سپهری

تلمیذ بی ارادت عاشق بی زر است و رونده بی معرفت مرغ بی پر

گلستان سعدی





خود ارزیابی

۱ در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده (بلیغ) و گسترده را بیابید و پایه‌های آنها را مشخص نمایید:

(الف) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو ببالی و گر چو ابر بگیریم، تو همچو غنچه بخندی
خواجوی کرمانی

(ب) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی
گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی‌کند
حافظ

(پ) دل گرفتار بلای عشق توست جان شهید کربلای عشق توست
وفایی

۲ وجه شبه را در شعرهای زیر مشخص کنید:
(الف) صدا چون بوی گل در جنبش آب به آرامی به هر سو پخش می‌گشت
فریدون تولی

(ب) نفس کز گرم گاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت،
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

مهدی اخوان ثالث

۳ دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:
(الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،
تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،
زنگ باران به صدا می‌آید.

سهراب سپهری



(ب) هر چه به گرد خویشان می‌نگرم در این چمن
آینه ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان

هوشنگ ابتهاج

۴ نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید:

(الف) اگر ای عشق پایان تو دور است دلم غرق تمنای عبور است
برای قد کشیدن در هوایت دلم مثل صنوبرها صبور است

سلمان هراتی

(ب) زمین چوسینه سهراب زیر جوشن برگ فرو نشسته در آن ناوک صنوبر و غان

علی موسوی گرمارودی

(پ) مانند پنبه دانه که در پنبه تعبیه است، اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

کمال‌الدین اسماعیل

۵ در اشعار زیر مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.

(الف) پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید

چون پرافشان پری‌های هزار افسانه‌ای از یادها رفته

مهدی اخوان ثالث

(ب) روز چو شمعی به شب، زودرو و سرفراز شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب

خاقانی

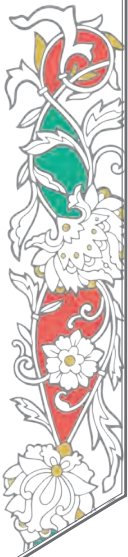
۶ تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر دارای کدام یک از پایه‌های تشبیه‌اند؟

(الف) مرا، کز جام عشقت مست گشتم وصال و هجر یکسان می‌نماید

فخرالدین عراقی

(ب) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد

کلیم کاشانی



پ) خانه دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

شیخ بهایی

۷ در هر یک از نمونه‌های زیر ادات تشبیه را مشخص کنید:

الف) مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند؟ به سرو بوستانی

فخرالدین اسعد گرگانی

ب) آورده‌اند که در ناحیت کشمیر، متصدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

کلیله و دمنه

پ) هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف

گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

کمال الدین اصفهانی

۸ در اشعار ذکر شده در خودارزیابی‌های درس ۳ ابیاتی را که مربوط به شاعران قرن‌های هفتم، هشتم و نهم است بیابید و بگویید کدام نوع تشبیه (گسترده یا فشرده) در آنها بیشتر است؟

۹ در بیت:

«چو دریای خون شده دشت و راغ جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ»

فردوسی

پایه‌های آوایی را مشخص کنید؛ سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده و هر پایه را در خانه خود قرار دهید.





کارگاه تحلیل فصل



۱ متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی‌شناسی بررسی کنید:

«پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید
قدرت در گل از گل دل کرد.»

مرصاد العباد

۲ با توجه به آموخته‌های فصل یکم، شعر زیر را بررسی و تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
 دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم
 گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری شیخ نی‌ام، پیش نی‌ام، امر تو را بنده شدم
 گفت که با بال و پری، من پر و بالت ندهم در هوس بال و پرش بی‌پر و پرکنده شدم
 چشمه خورشید تویی، سایه گه بید منم چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
 شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک کز کرم و بخشش اوروشن و بخشنده شدم
 شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق بر زبر هفت طبق، اختر رخشنده شدم

مولوی



فصل دوم



درس چهارم سبک‌شناسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

درس پنجم پایه‌های آوایی همسان (۱)

درس ششم مجاز

* کارگاه تحلیل فصل



درس چهارم

سبک عراقی

سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

ویژگی‌های سبک عراقی



الف) شعر:

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی:

برخی از ویژگی‌های زبانی شعر این دوره عبارت‌اند از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
 - لغات فارسی اصیل قدیم کم‌شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
 - «می» اندک‌اندک جای «همی» را گرفته است؛
 - «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه‌های «ایدون، ایدر، آبا، آبر و...» بسیار اندک به کار می‌روند؛
 - به کارگیری حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می‌شود.





۲. ادبی:

برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت است از:

- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردید.
- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شد.
- شعر این دوره از دربار خارج شد؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.

۳. فکری:

برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیر است:

- فکر در این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر شد؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود ولی در شعر این دوره، مقام معشوق اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و این امر باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد؛ برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌یابند.
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی‌گرایی	غم‌گرایی
وصال	فراق



واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی‌بودن معشوق	آسمانی‌بودن معشوق
بازتاب‌اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

ب) نثر:

ویژگی‌های نثر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی:

در این قلمرو ویژگی‌های زیر شاخص‌تر است:

● نثر فنی کم‌کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطرهٔ تیموریان بر ایران از میان می‌رود، تا آنجا که نثر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد. در قرن ششم چنین مرسوم بود که برخی نویسندگان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می‌نوشتند. در این دوره (قرن هفتم و هشتم) برخی نویسندگان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند؛ چنان‌که ملاحسین واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به انشای دورهٔ خود بازگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.

● تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج یافت، هر چند نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ‌های این دوره یافت می‌شود. در مقدمهٔ کتاب *ظفرنامهٔ شامی*، که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده دربارهٔ تیمور است، می‌خوانیم: «امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامهٔ مردم بفهمند.» تاریخ‌نویسی از اوایل دورهٔ مغول، به سبب علاقهٔ شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دورهٔ تیموری هم ادامه یافت. حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه جا یکسان نیست و نثر سادهٔ این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.



- از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره، ورود لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دوره تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان فارسی دیری نپایید. سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزه ادبی هرات، ترکی‌گویی و ترکی‌نویسی را تشویق می‌کردند. امیرعلیشیر نوایی چند کتاب از جمله «محاكمة اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت. نمونه‌ای از کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌اند از: بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرم‌سیر)، قشون (ارتش) و یورش (هجوم).
- به‌وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر، از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

۲. ادبی

- در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعداد های بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، در کتاب‌های مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهر سازی و تصنع پرداختند و به استعاره‌های دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی روح روی آوردند.

۳. فکری

- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.
- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان تضعیف شد.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ در نتیجه در این دوره، کتاب عرفانی مهمی به نثر نوشته نشد.





خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
گفت من؛ گفتش «برو هنگام نیست» بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق کی پزد کی وارهند از نفاق؟
رفت آن مسکین و سالی در سفر در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت باز گرد خانهٔ انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب تا بنجهد بی ادب لفظی ز لب
بانگ زد یارش که «بر در کیست آن؟» گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مولوی

(الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی ابیات بالا را بنویسید.

(ب) ویژگی فکری حاکم بر شعر چیست؟

(پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

(ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ‌نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

چنین گفت رستم به آواز سخت که ای شاه شادان دل و نیک بخت
اگر جنگ خواهی و خون‌ریختن بر این گونه سختی برآویختن
بگو تا سوار آورم زابلی که باشند با خنجر کابلی
بر این رزمگه‌شان به جنگ آوریم خود ایدر زمانی درنگ آوریم

فردوسی



یکی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار،
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد
هر کاه نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
نقشش به حرام ار خود، صورتگر چین باشد

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس تشبیه‌های موجود را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

آتش است آب دیدهٔ مظلوم چون روان گشت، خشک و تر سوزد
تو چو شمعی از او هراسان باش کاؤل، آتش ز شمع سر سوزد

سیف فرغانی

۵ ویژگی‌های فکری متن زیر را بنویسید.

بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست. سالک باید که اول از علم شریعت آنچه ما لابد است، بیاموزد و یادگیرد و آنگاه از عمل طریقت، آنچه مالا بد است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید.

عزیزالدین بن محمد نسفی

۶ پایه‌های آوایی را در بیت دوم شعر فردوسی (خودارزیابی ۳) مشخص نمایید.



درس پنجم

پایه‌های آوایی همسان^(۱)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:
درین درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی
چه صحرایی، چه خضرائی، چه درگاهی، نمی‌دانم

مولوی

دَ رین دَر گَا	هَ بی چو نی	هَ مِ لُ طَ فَس	تُ موزو نی
چِ صَحْ را بی	چِ خَضْ را بی	چِ دَر گَا هی	نِ می دَا نَم

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم.





وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌های آوایی بخش کردیم؛ ساده‌تر این است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل هریک از آنها را بیاوریم. معادل‌های این پایه‌ها را «وزن واژه یا رکن» می‌نامیم.

برخی از وزن واژه‌ها یا ارکان شعر فارسی عبارت‌اند از:

فعولن (—U) مفاعیلن (—U—) فاعلاتن (—U—)
مستفعلن (—U—) فاعلاتن (—UU—) مفتعلن (—UU—)

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است.

پایه‌های آوایی	دَ رین دَرگا هِ بی چو نی	هَمْ لُطْ فُس تْ مو زو نی
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن
	چَ صَحْ را یی چَ خَضْ را یی	چَ دَر گا هی نِ می دا نِم
	مفاعیلن	مفاعیلن

تکرار و تمرین از طریق گوش دادن، یکی از راه‌های مؤثر درک وزن بیت است. هم‌چنین قرار دادن نشانه‌های هجایی یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای تشخیص وزن است. اکنون بیت بالا را با نشانه‌های هجایی می‌نویسیم:

پایه‌های آوایی	دَ رین دَرگا هِ بی چو نی	هَمْ لُطْ فُس تْ مو زو نی
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	— — — U	— — — U

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان «مفاعیلن» (ت تن تن تن) تشکیل شده است. به نمونه زیر توجه کنید.

خداوند، شبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان

نظامی

۱. «م» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. این کاربرد آوایی به ضرورت شعری پدید می‌آید.



خُ	دا	وَن	دا	شَ	بِم	را	رو	ز	گَر	دان
چُ	رو	زَم	بَر	جَ	هان	پی	رو	ز	گَر	دان

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

پایه‌های آوایی	خُ	دا	وَن	دا	شَ	بِم	را	رو	ز	گَر	دان
	چُ	رو	زَم	بَر	جَ	هان	پی	رو	ز	گَر	دان
وزن	مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعی (= فعولن)				
نشانه‌های هجایی	— — — U			— — — — U			— — U				

پس از مقایسه این بیت با نمونه پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است. وزن بیت به گونه‌ای سامان یافته است که بافت موسیقایی شعر کوتاه‌تر گردیده و یکی از پایه‌های آوایی آن کاسته شده است هم‌چنین یک هجا از پایان آن حذف شده است. اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید: روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

قائم مقام فراهانی

رو	ز	گا	رَس	تین	کِ	گه	عِز	زَت	دَ	هَد	گه	خا	ر	دا	رَد
چرخ	با	زی	گر	آ	زین	با	زی	چ	ها	بس	یا	ر	دا	رَد	



هر مصراع این بیت از چهار پایه همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین تفاوت دارد.

به پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر پایه این بیت، دقت کنید.

پایه‌های آوایی	رو زِ گا رَس	تینِ کِ گَه عِز	زَت دَهْد گَه	خا ر	دا رَد
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	— _U —	— _U —	— _U —	— _U —	— _U —

همان گونه که آورده‌ایم، وزن این بیت «فاعلاتن (تن ت تن تن)» است.

نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم

مولوی

پایه‌های آوایی	مَنْ بِ هَر جَم	عی ی تی نا	لان شُ	دَم
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	— _U —	— _U —	— _U —	— _U —

در این بیت نیز به جای چهار پایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است.

وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.





خودارزیابی

۱ برای هر یک از موارد زیر؛ مانند نمونه وزن واژه مناسب بنویسید و نشانه‌های هجایی آن را مشخص کنید:

نمونه	وزن واژه	نشانه‌های هجایی
کبوتر	فعولن	— — U
می‌نوشتم		
دریا دلان		
نمی‌دانم		
دری بگشا		
بامدادی		
با ادبان		
کجایی		

۲ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن آنها را بنویسید.

الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود به هم کردند و عشقش نام کردند

فخرالدین عراقی

			پایه‌های
			آوایی
			وزن



(ب) چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مست را

که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی گیرد

حافظ

				پایه های
				آوایی
				وزن

(پ) تا نگردي بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان

عطار

			پایه های
			آوایی
			وزن

۳ بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس نشانه های هجایی هریک را در خانه ها قرار دهید.

(الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان

سعدی

				پایه های
				آوایی
				نشانه های هجایی



(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

وحشی بافقی

			پایه های آوایی
			نشانه های هجایی

(پ) سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

حافظ

				پایه های آوایی
				نشانه های هجایی

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد به سانِ فاخته کوکو همی زد

فدایی مازندرانی

			پایه های آوایی
			نشانه های هجایی



۴ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

(الف) سحرگه بلبلی آواز می‌کرد همی نالید و با گل راز می‌کرد

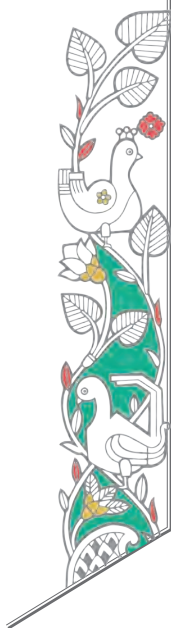
سلمان ساوجی

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی

(ب) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست
تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

خاقانی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



(پ) خوشا از نی خوشا از سر سرودن خوشا نی نامه‌ای دیگر سرودن

قیصر امین پور

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی

(ت) عزیزا کاسه چشمم سرایت میان هردو چشمم جای پایت

باباطاهر

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی

۵ ایبات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟ به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی
سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟ که شنیده‌ام ز گل‌ها همه بوی بی‌وفایی

فخرالدین عراقی

(الف) ویژگی‌های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

(ب) دو مورد از ویژگی‌های فکری ایبات را بنویسید.



درس ششم

مجاز

در بیت:

بر آشفته ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

فردوسی

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی حقیقی دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

مجاز، کاربرد واژه، در معنای غیر حقیقی آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت‌وگوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض یخ زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی حقیقی یا اصلی دارد، به کار برده و آب را که معنای غیر حقیقی آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی غیر حقیقی واژه بر اساس «علاقه یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا





معنای غیرحقیقی (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنای حقیقی و غیرحقیقی یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای حقیقی دور می‌سازد و به سوی معنای غیرحقیقی آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «بخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای حقیقی ماه به مفهوم غیرحقیقی یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی است که ما را از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌سازد.

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم. **بیهقی**
جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد. همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

نظامی

معنای حقیقی یا اصلی: کوچک‌ترین واحد کلام موزون و شاعرانه

معنای غیرحقیقی: سخن شاعرانه

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای غیرحقیقی یا مجازی به کار رفته‌اند:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر غم آمد جهان را از آن کار بهر

فردوسی

معنای مجازی (غیرحقیقی)	معنای حقیقی (اصلی)	واژه
مردم حاضر در دشت	صحرا	دشت
مردم ساکن در شهر	نام مکان زندگی	شهر
مردم جهان	دنیا	جهان

در معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به کمک علاقه شباهت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند؛ برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است:

از من غمزده دل می‌طلبد غمزه دوست دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد

وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای غیرحقیقی آن «چشم» می‌باشد.

خودارزیابی

۱ معنای حقیقی و مجازی را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

(الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیرآوری چرخ نیلوفری را

ناصر خسرو

(ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سعدی

(پ) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

مولوی

۲ در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید:

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهربندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

شفیعی کدکنی

ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

رشیدالدین میبدی

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما نرگس او سرگران کرد

حافظ

ت) دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تواز این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

حافظ

ث) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

شهریار

۳ در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید:

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یکدگر گشایی زلف گره‌گشا را

فروغی بسطامی

۴ بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم وز این درخت همین میوه غم است برم

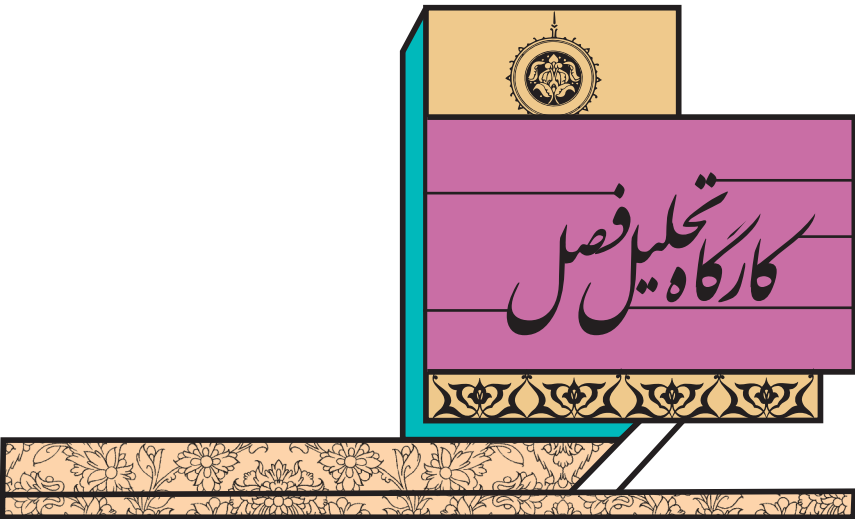
جامی

۵ وزن بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عفو مکن ناامید

سعدی





کارگاه تحلیل فصل

۱ غزل زیر را از نظر سبک‌شناسی بررسی و تحلیل کنید:

من ندانستم از اوّل که تو بی مهر و وفایی
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی
دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی
آن نه خال است و ز نخدان و سر زلف پریشان
که دل اهل نظر برد که سری است خدایی
عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت
همه سهل است، تحمل نکنم بار جدایی
گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم
چه بگویم؟ که غم از دل برود چون تو بیایی
شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن
تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی
سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد
که بدانست که در بند تو خوش‌تر ز رهایی

سعدی

۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی بررسی نمایید:

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

سعدی

۳ وزن بیت زیر را بنویسید.

ز یزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد
که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی

سنایی



فصل سوم



تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم

درس هفتم

پایه‌های آوایی همسان (۲)

درس هشتم

استعاره

درس نهم

* کارگاه تحلیل فصل



درس هفتم

تاریخ ادبیات فارسی

در قرن های هفتم و یازدهم

قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود؛ به گونه ای که در هر گوشه ای حاکمی از آنان حکومت می کرد. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره به طور کلی و وضع ادبیات نیز، به تبع آن آشفته شده بود. در این سال ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت:

یکی شعر لطیف و فصیحی بود که به طور طبیعی و به شیوه کسانی مثل حافظ و سعدی در جریان بود و بابا فغانی شیرازی از نمایندگان آن است. دیگری مکتب وقوع که نتیجه چاره اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و باز تاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود که البته راه به جایی نبرد.

سیطره درازمدت مغولان و تیموریان بر سرزمین ایران و ویرانی ها و خرابی هایی که در همه ابعاد و زمینه ها به بار آوردند، دانش، فرهنگ و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار داد. بعد از ظهور شاعران بزرگی چون سعدی، مولانا و حافظ در دوره عراقی، به دلیل تسلط طولانی مدت مغولان و تیموریان، جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی و ادیبان باقی نماند.





شاعران این دوره تشخیص داده بودند که سبک عراقی از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است و با ادامه پابندی به سنن ادبی نابود می شود. پس باید به سوی حقیقت گویی و واقع گویی بازگشت. شاعران برای این کار نیازمند پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بودند و قالب غزل با توجه به نقش و سابقه کاربردش، اجازه جولان بیشتر در این میدان را نمی داد.

در این دوره از یک سو به دلیل کم توجهی و بی مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و از سوی دیگر شاعرنوازی و ادب گرایی سلاطین هند، شاعران به دربارهای هند روی آوردند. به همین دلیل با شوق و شور تمام راهی آنجا شدند و برخی از آنان پس از کسب شهرت و ثروت، به ایران بازگشتند. آشنایی با تفکرات و معارف هندوان کم و بیش در تغییر سبک دخیل بود.

فرهنگ هند، در این دوره از فرهنگ ایرانی همچنان تأثیر می پذیرفت و فضایی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی و بهادادن به فرهنگ آن، استقبال می کردند. شاهان گورکانی هند نیز همگی به فارسی سخن می گفتند. زبان فارسی که در شبه قاره هند استحکام و استقرار لازم را به دست آورده بود، همه گیر و رسمی شد و تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند زبان رسمی آن دیار بود.

هم زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان، نیز که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت. به جز اصفهان، مناطق دیگر ایران هم رشد و توسعه و شور و جنبشی یافت؛ مثلاً خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به کانون های مهمی برای شاعران، هنرمندان و دانشمندان تبدیل شد.

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته اند و به نوعی علاقه نشان داده اند. افزون بر آن، برخی از ایشان مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند، علاوه بر این با رؤسای مذاهب در تماس نزدیک بودند و از طرف دیگر، رقاباتی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آنها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان می دادند. این عوامل باعث شده بود که به طور کلی شعر و شاعری و معماری و انواع هنر مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه هنرهایی چون قالی بافی، سفالگری،



شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوران صفویه رشد فراوان یافت. بهزاد در دوره شاه اسماعیل و رضا عباسی در دوره شاه عباس از مفاخر هنرند.

■ بابافغانی شیرازی

از شعرای تأثیر گذار این قرن در ایران است که شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.

■ وحشی بافقی

نیز از دیگر شاعران این دوره است که سبک شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.

■ محتشم کاشانی

از دیگر شاعران این دوره، در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب‌بند عاشورایی او زبانزد است: باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است...

قرن یازدهم

حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی توجه بود؛ از این رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند. وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان درباری باعث شد که طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها ندادن به شعر ستایشی در ایران، موجب شد که شاعران مدیحه‌سرا برای امرار معاش یا ثروت‌اندوزی راهی دیار هند شوند؛ زیرا آنجا به رسم دربارهای قدیم ایران هنوز بازار قصیده و مدح رواج داشت. رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت و کسب و کار، این امکان را برای همه مردم فراهم آورده بود که هر کس به اندازه توان خود به امور فرهنگی از جمله ادبیات بپردازد.



از طرف دیگر به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا، مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه‌ها نیز دایر شد و شاعران در آنجا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند. از معروف‌ترین شاعران این قرن می‌توان افراد زیر را نام برد:

■ کلیم کاشانی

در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و این ویژگی به غزل‌های او لطف و ویژه‌ای بخشیده است. ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن او را برجسته ساخته است. وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «خلاق المعانی ثانی» لقب گرفت.

■ صائب تبریزی

معروف‌ترین شاعر سبک هندی و از پرکارترین شاعران فارسی‌زبان است. او در غزل‌سرایی مشهور است و برخی از تکبیت‌های غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آنها به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند. صائب را خداوندگار مضامین تازه شعرى دانسته‌اند.

■ بیدل دهلوی

او را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم. از ویژگی‌های عمده شعر بیدل، مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.

خودارزیابی

۱ ■ ابیات زیر را از نظر مضمون بررسی کنید:

بخیه کفشم اگر دندان نماند، عیب نیست خنده می‌آرد همی بر هرزه‌گردی‌های من
ریشه نخل کهن سال از جوان افزون تراست بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را

صائب تبریزی

۲ ■ زبان فارسی در دوره صفویان چه موقعیت و جایگاهی داشت؟



۳ ویژگی‌های عمده شعر بیدل را با توجه به غزل زیر بررسی کنید:

برق با شوقم شراری بیش نیست	شعله طفل نی سواری بیش نیست
لاله و گل زخمی خمیازه‌اند	عیش این گلشن خماری بیش نیست
تا به کی نازی به حسن عاریت؟	ما و من آیینه‌داری بیش نیست
می‌رود صبح و اشارت می‌کند	کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
غرقه وهمیم؛ و نه این محیط	از تنک آبی کناری بیش نیست
ای شرر، از هم‌رهان غافل مباش	فرصت ما نیز باری بیش نیست
بیدل، این کم هم‌تان بر عز و جاه	فخرها دارند و عاری بیش نیست

بیدل دهلوی

۴ چه عواملی موجب شد شاعران ایرانی به دربار هند روی آورند؟

۵ شهرت محتشم کاشانی در چه نوع شعر و قالب شعری است؟ در این مورد توضیح دهید.

۶ در قرن هشتم تأثیرپذیری از گذشتگان چگونه در شعر خواجهی کرمانی و حافظ جلوه‌گر شد؟

۷ ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

سنایی

چو او شهر ایران به گشتاسب داد نیامد تو را هیچ از آن تخت یاد

فردوسی

الف) مجاز را در بیت‌های بالا بیابید و معنای حقیقی و غیرحقیقی هر کدام را مشخص کنید.

ب) نشانه‌های هجایی و پایه‌های آوایی بیت‌ها را مشخص کنید.



درس هشتم

پایه‌های آوایی همسان^(۲)

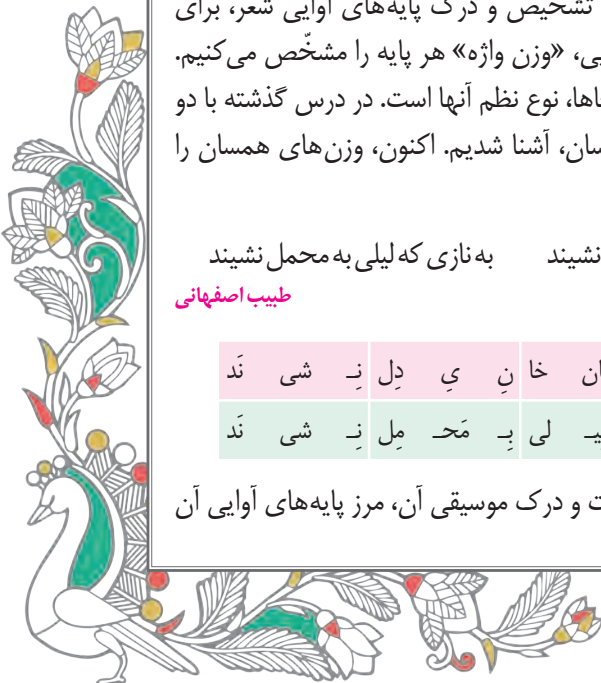
آموختیم که برای درک پایه‌های آوایی شعر، هجاها یا نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاها را مشخص می‌کنیم. پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، «وزن واژه» هر پایه را مشخص می‌کنیم. نکته مهم در دسته‌بندی هجاها، نوع نظم آنها است. در درس گذشته با دو نمونه از پایه‌های آوایی همسان، آشنا شدیم. اکنون، وزن‌های همسان را فرامی‌گیریم.

غمش در نهان‌خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

طیب اصفهانی

غَ	مَش	دَر	نَ	هَان	خَا	نِ	یِ	دِل	نِ	شِ	نَد
بَ	نَا	زِی	کِ	لِی	بَ	مَح	مِل	نِ	شِ	نَد	

پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن



را مشخص کرده‌ایم. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است. وزن این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم هجاها را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

پایه‌های آوایی	غَ مَش دَر نَ هانِ خا نِ یِ دِلِ نِ شی نَد	بِ نا زی کِ لِی لِی بِ مَح مِلِ نِ شی نَد		
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های هجایی	— U	— U	— U	— U

به بُرش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجه کنید:
خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

سعدی

پایه‌های آوایی	خُ دا یا بِ خا ری مَ را نَز دَ رم	کِ صو رَتَ نَ بَن دَدَ دِ ری دی گَ رَم		
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فَعَل
نشانه‌های هجایی	— U	— U	— U	— U

نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است؛ هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند آنها به صورت یکسان از پی هم آمده‌اند؛ اما تعداد هجاهای پایه چهارم این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، «وزن» این بیت «فعولن فعولن فعولن فعل» است، در این بیت یک هجا از پایه آخر حذف شده است. بنابراین در هریک از وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای



چهار پایه، سه پایه دارد. اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقت کنید:

گر جان عاشق دم‌زند، آتش در این عالم‌زند وین عالم‌بی‌اصل را، چون ذره‌ها بر هم‌زند

مولوی

گَر جَانِ عَا شِقْ دَمَ زَنَدَ	اَ تَشَ دَرِیْن عَالَمَ زَنَدَ
وِیْن عَالَمِ بَیْ اَصْلَ رَا	چُن ذَرِیْ هَا بَرِ هَمَ زَنَدَ

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده است. به بیان دیگر، هر مصراع بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی دارد. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مستفعِلن» (تن تن ت تن) تشکیل شده است.

برش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت، به شکل زیر است:

پایه‌های آوایی	گَر جَانِ عَا شِقْ دَمَ زَنَدَ	اَ تَشَ دَرِیْن عَالَمَ زَنَدَ	وِیْن عَالَمِ بَیْ اَصْلَ رَا	چُن ذَرِیْ هَا بَرِ هَمَ زَنَدَ
وزن	مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن
نشانه‌های هجایی	—U —	—U —	—U —	—U —

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان گفته‌ایم، پایه‌های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد؛ برای نمونه به نظم هجاها و پایه‌های همسان این بیت توجه کنید:

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم

تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم

مولوی





پایه‌های آوایی	یا ر شُدَم	یا ر شُدَم	با غِ مِ تُ	یا ر شُدَم
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
نشانه‌های هجایی	—UU—	—UU—	—UU—	—UU—

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهارتایی، نظمی همسان ایجاد می‌کند. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مفتعلن» (تن ت تن) تشکیل شده است. به شعر زیر، دقت کنید.

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده‌ای، مرحبا

سعدی

پایه‌های آوایی	ای نَ فَ سِ	خُر رِ مِ	با دِ	صَ با
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن (فاعلن)	مفتعلن
نشانه‌های هجایی	—UU—	—UU—	—UU—	—U—

بیت زیر از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش نشانه‌های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب می‌شود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه»، «فعلاتن» (ت تن تن) است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

سنایی غزنوی

پایه‌های آوایی	تُ خَ کی می	تُ عَ ظی می	تُ کَ ری می	تُ رَ حی می
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
نشانه‌های هجایی	—UU—	—UU—	—UU—	—UU—

خودارزیابی



۱ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها جای دهید:

الف) بخندد همی باغ، چون روی دلبر ببوید همی خاک، چون مشک اذفر^۱
رودکی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ب) هین سخن تازه بگو، تادو جهان تازه شود وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود
مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

۱. اذفر: خوشبو



(پ) دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند
حمید سبزواری

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

(ت) سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازد مرا وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند
رهی معیری

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

(ث) ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما
نظامی گنجوی

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی



چ) سعادت به بخشایش داور است نه در چنگ و بازوی زورآور است

سعدی

				پایه‌های
				آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

چ) جرمی ندارم بیش از این، کز جان وفادارم تو را ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازم تو را

انوری

				پایه‌های
				آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

چ) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسمند و تو جسمی، همه جسمند و تو جانی

سعدی

				پایه‌های
				آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



۲ غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود
نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل تشنه را، آب محال است که از یاد رود
نتوان از سر او برد هوای شیرین لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود
کاش چون شمع، همه سرشود اعضای کلیم تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در غزل بالا مشخص کنید.

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.



درس نهم

استعاره

در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیرحقیقی، علاقهٔ مشابَهت است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ برای مثال:

با کاروان حلهٔ برفتم ز سیستان با حلهٔ تنیده ز دل بافته ز جان

فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دو بار کلمهٔ حله را به کار برده است. در مصراع اوّل حله در معنای حقیقی (جامهٔ حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به قرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار برده است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامهٔ حریر و شعر بوده است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده و مشبّه (شعر) را حذف نموده، مشبّه به (حله) را به جای آن آورده است.



همچنین در مثال:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد

مولوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبّه به را آورده است که از آن پی به مشبّه می‌بریم.
یا در بیت:

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی باز ای سپیده شب هجران، نیامدی

شهریار

محبوب شاعر (مشبّه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبّه به) به جای آن آمده است.

در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفתי که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش درآویخته.

گلستان سعدی

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبّه) حذف شده و به جای آن خرده مینا آمده است. همچنین خوشه انگور (مشبّه) حذف شده و به جای آن عقد ثریا آمده است.

برای ساده‌تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهارگانه آن به استعاره را می‌توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبه به
تشبیه فشرده	مشبه	مشبه به		
استعاره	مشبه به / مشبه + ویژگی مشبه به			

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک



رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبّه و مشبّه‌به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبّه‌به باقی بماند، به آن **استعاره آشکار (مصرحه)** و اگر مشبّه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبّه‌به بیاید، **استعاره پنهان (مکنیه)** می‌گویند. به این نمونه دقت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نظامی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره آشکار از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» هستند. مثال دیگر:

تا تو را جای شدای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سعدی

سرو روان: استعاره از یار است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند.

شاملو

همان‌طور که در جدول ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبّه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبّه‌به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که درآیینۀ تصور ماست

انوری

زمانه (مشبّه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبّه آمده است.



گاه در استعاره پنهان، مشبّه موجودی بی جان و غیر انسان و مشبّه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش **جان بخشی یا تشخیص** در کلام می شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

مولوی

در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می کند و سرو مانند انسان قیام می کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند.

مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

حافظ

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده ایم؛ این نیز تشخیص است؛ مثال:

ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده زانده کیستی؟

زیب النساء

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

حافظ

ای سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده ام

رهی معیری

بشکن دل بی نوای ما را ای عشق این ساز، شکسته اش خوش آهنگ تراست

سید حسن حسینی

گاه نیز مشبّه به حذف می شود و یک ویژگی از آن به مشبّه اضافه می شود و به صورت ترکیب اضافی می آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری می گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «زلف سخن» در بیت زیر چنین اند:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

حافظ





خودارزیابی

۱ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

(الف) کی‌ام؟ شکوفه‌اشکی که در هوای توهر شب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم

اوستا

(ب) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

سعدی

(پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

وحشی بافقی

(ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید، در رهگذار باد نگهبان لاله بود

حافظ

(ث) شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره من

سپهری

(ج) آینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟ زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست

مولانا

(چ) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

حافظ

۲ تشبیه بیت زیر را بیابید و از آن یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید:

دگر باره خیاط باد صبا بر اندام گل‌دوخت رنگین قبا

ملک الشعرای بهار



۳ استعاره‌های آشکار را در بیت زیر بیابید و آنها را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشایید ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید

خاقانی

۴ ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن و اژه‌های بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم اوّل و آخرین کهنه کتاب افتاده است





کارگاه تحلیل فصل

۱ غزل زیر را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

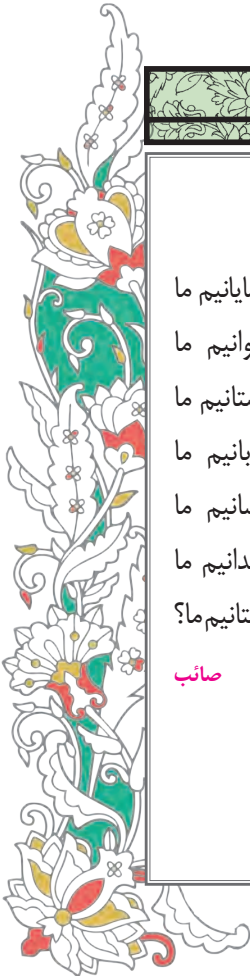
جان به لب داریم و همچون صبح خدائیم ما دست و تیغ عشق را زخم نماییم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی‌آید برون در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
پشت چون آئینه بر دیوار حیرت داده‌ایم واله خار و گل این باغ و بستانیم ما
از شبیخون خمار صبحدم آسوده‌ایم مستی دنباله‌دار چشم خوبانیم ما
خرقه از ما می‌ستاند نافه مشکین نفس از هواداران آن زلف پریشانیم ما
حلقه چشم غزالان حلقه زنجیر ماست دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما چون زبخت تیره دائم در شبستانیم ما؟

صائب

(الف) ویژگی‌های شعر صائب را در غزل بررسی کنید.

(ب) شعر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

(پ) وزن شعر را بنویسید.



۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های فکری بررسی نمایید:

«مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد.»

نجم‌الدین رازی



فصل چهارم



سبک‌شناسی در قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی)

درس دهم

پایه‌های آوایی همسان دو لختی

درس یازدهم

کنایه

درس دوازدهم

* کارگاه تحلیل فصل



درس دهم

سبک هندی

سبک‌شناسی قرن‌های نهم و یازدهم

شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر با آموزه‌های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک‌اندیشی روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت.

این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرد، حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زیان بار بود.





ویژگی‌های سبک هندی

الف) شعر:

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی

الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم - که عمدتاً آموخته‌های ادبی نداشتند - به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

ب) دایرهٔ واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنهٔ شعر رخت برپست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف ویژگی‌های سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی‌درپی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد؛ فضلاً دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مانوس نبودند.

دومین دلیل حذف ویژگی‌های سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند؛ چراکه شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

پ) لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در این دوره به حوزهٔ شعر و ادب وارد شد.

ت) در این دوره با از بین رفتن سلطهٔ حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از طرفی حملات تیموریان و ازبکان، سبب رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی گردید؛ به‌خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می‌گفتند.



ث) زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

۲. ادبی

الف) به دلیل کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره، استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پر کاربرد این سبک‌اند.

ب) قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به چهل بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. دلیل این ویژگی آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک‌بیت‌گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر، این ابیات مستقل را به وسیله رشتۀ قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیبی به شعر نمی‌زند.

پ) استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهیم‌شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و...

۳. فکری

الف) شعر هندی شعری معنی‌گراست، نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان. معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره برای مضمون‌سازی، از هر پدیده‌ای در عالم طبیعت یا هر موضوعی در قلمرو ذهن استفاده کردند؛ اما آثار آنها



همه در سطح باقی مانده و به خلق آثار بزرگی چون شاهنامه فردوسی، مثنوی مولانا یا آثار عطار، سنایی و نظامی منجر نشده است.

ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تکبیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش تر نمی رود و نهایت اینکه تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی انگیزد.

پ) شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوه خود بازگو می کردند، گاهی چنین موضوعاتی با وجود داشتن ابهام، در اشعار آنان قابل درک تر و خلاصه تر بیان شده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب انگیز.

ب) نثر:

در کتاب های این دوره سه نوع نثر می توان دید.

۱ ساده

مراد از نثر ساده در این دوره، نثر مرسل در آثاری مانند تاریخ بلعمی نیست. در نثر ساده این دوره، لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر یافت می شود. کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده اند:

الف) کتاب هایی که در خارج از ایران نوشته شده اند:

● کتب داراشکوه در هند

● شرفنامه بدلیسی در عثمانی

● بدایع الوقایع واصفی در ماوراءالنهر

ب) کتاب هایی که در ایران نوشته شده اند:

در تاریخ:

● تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی

● عالم آرای عباسی از اسکندربیک ترکمان





در عرفان:

● رشحات عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی

در زندگی نامه:

● مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری

در فقه:

● جامع عباسی از شیخ بهایی.

۲ مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنان که دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس نامه وحید قزوینی و محبوب القلوب میرزا بر خوردار فراهی است. نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

۳ بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب‌السیور از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن بیگ روملو است.

ویژگی‌های نثر این دوره

برخی از ویژگی‌هایی که کم و بیش در هر سه قلمرو نثر این دوره وجود دارد، عبارت‌اند از:

الف) زبانی

۱ در آمیختگی نظم و نثر؛

۲ کاربرد وجه وصفی؛

۳ جمع بستن با «ات» که علاوه بر کلمات عربی (محاربات)، در واژه‌های فارسی (گیلانات)

و ترکی و مغولی (بیلاقات) نیز به چشم می‌خورد؛

۴ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛

۵ آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه؛

۶ آوردن جملات طولانی؛

۷ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدّد؛

۸ فراوانی لغات ترکی و مغولی.

ب) ادبی

نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و متن های ادبی نیز با تصنع و تکلف همراه است. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافته و در آرایه تلمیح نمودار شده است.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب های نثر - که غالباً سروده خود مؤلفان است - رواج داشته، به علاوه بی دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخته است. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.

پ) فکری

تأثیر فساد و تیره بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی، یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند. تاریخ نگاری این دوره از جمله عرصه هایی بود که از این حادثه بزرگ متأثر گردید؛ چونان که تواریخ عمومی این دوره در کنار نهادهای سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت نهادینه کردن فرهنگ تشیع گام برداشتند.





خودارزیابی

۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سرودهٔ زیر را استخراج کنید:

روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام
دست‌رغبت کس نمی‌سازد به‌سوی من دراز چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی نبض موجم، در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام
عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی در چمن بیکار چون دست‌چنار افتاده‌ام
همچو گوهر گردلم از سنگ گردد دور نیست دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام

صائب

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری

۲ بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

الف) ای گل که موج‌خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریهٔ تلخ گلاب را

صائب

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوکب‌ها

صائب

۳ سبک نثر دورهٔ هندی را با نثر دورهٔ عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

۴ در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت‌نامه در دورهٔ هندی تحلیل کنید.

۵ بیت زیر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل کنید:

ز منجنیق فلک سنگ‌فتنه می‌بارد من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار

عرفی شیرازی



۶ وزن بیت زیر را بررسی کنید:

تو این عهدی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی

طالب آملی

۷ متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

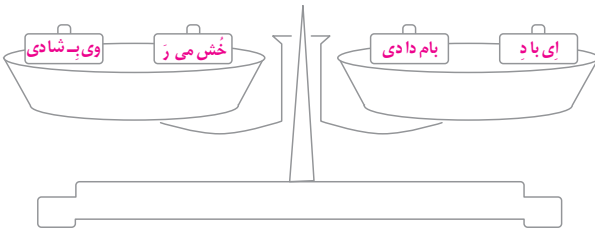
از طبقهٔ علیّه شعرا که ناظران مناظم سخن‌پیرایی و پیرانه‌بندان سلسلهٔ معنی‌آرایی‌اند در آن هنگام در اردوی معلاً و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت‌گستر بی‌شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان



درس یازدهم

پایه‌های آوایی همسان‌دوختی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنا شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی

سعدی

ای	با	دِ	با	م	دا	دی	خُش	می	زَ	وی	بِ	شا	دی
پِی	وَن	دِ	رو	ح	کَر	دی	پِی	غا	مِ	دو	سَ	دا	دی



می بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لختی است، یعنی دو واژه با هم، پایه آوایی به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایه همسان، حاصل نشده است، بلکه پایه‌ها، یک در میان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. موسیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار موسیقی پاره نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولختی یا «دوری»^۱ نامیده می‌شود. در وزن دوری میانه هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گسست آوایی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن و نشانه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

ای	با	دِ	با	م	دا	دی	خُش	می	رَ	وی	بِ	شا	دی
پی	وَن	دِ	رو	ح	کَر	دی	پِ	غا	مِ	دو	ست	دا	دی
مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —	— U —

با خوانش صحیح بیت متوجه می‌شویم که هر مصراع چهار پایه آوایی دارد و از دو پاره همسان تشکیل شده است.

وزن بیت بر پایه برش هجایی «سه تایی — چهارتایی» است اگر هجاها را به شیوه «چهارتایی — سه تایی» دسته‌بندی کنیم، وزن واژه «مستعلن فعولن» می‌شود.

توجه:

در نظم همسان دو لختی، هر مصراع از دو پاره همگون تشکیل می‌شود. در این نوع وزن، هر نیم مصراع در حکم یک مصراع است. هجای پایان نیم مصراع، مانند پایان مصراع بلند محسوب می‌شود، بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می‌آید.

۱. برخی از اوزان همسان دو لختی، ویژگی‌های اوزان دوری را ندارند.



به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

سعدی

سِل سِلِ یِ	موی دوست	حَلَقِ یِ دَامِ	بَ لاسِت
هَر کِ دَرین	حَلَقِ نیست	فَارِغَ زین	مَاجَ راسِت

می‌بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست» هجای کشیده است، اما به صورت یک هجای بلند محسوب می‌شود.

اکنون که پایه‌های آوایی این شعر را درک کرده‌ایم، آن را با وزن و نشانه‌های هجایی، نشان می‌دهیم:

پایه‌های آوایی	سِل سِلِ یِ	موی دوست	حَلَقِ یِ دَامِ	بَ لاسِت
وزن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
نشانه‌های هجایی	- U U -	- U -	- U U -	- U -

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرت کن هان ایوان مداین را، آیینۀ عبرت دان

خاقانی

ها نی	دِلِ عِبَرَتِ بَینِ	اَز	دِیدِ	دِ عِبَرَتِ کُنِ	هان
ای	وَ	مَدَایِنِ	رَا	یِیدِ	نِ عِبَرَتِ دَانِ



پایه‌های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است. همین بیت را با وزن و نشانه‌های هجایی نشان می‌دهیم:

پایه‌های آوایی	ها نی دِلِ عِبَرَتِ بین اَز دی دِ عِ بَر کُن هان	ایب وا نِ مَدَا یِنِ را آ یِی نِ یِ عِبَرَتِ دان		
	مفعولُ	مفاعیلن	مفعولُ	مفاعیلن
وزن	U _ _ _	_ _ _ U	U _ _	_ _ _ U
نشانه‌های هجایی				

بیت چهارپایهٔ آوایی دارد و از دو پارهٔ همسان تشکیل شده است؛ پارهٔ دوم تکرار پارهٔ نخست است.

به بیان دیگر وزن این بیت از تکرار دو پایهٔ متفاوت «مفعولُ مفاعیلن» به صورت دوبار در هر مصراع است که وزن همسان دو لختی (دوری) به شمار می‌آید.

وزن بیت، برپایهٔ برش هجایی «سه تایی — چهارتایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوهٔ «چهارتایی — سه تایی» دسته‌بندی کنیم، وزن «مستفعلُ مفعولن» می‌شود.

توجه:

در اوزان همسان دو لختی، دو پاره با هم یک واحد موسیقایی به شمار می‌آیند. آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را می‌توان به گونهٔ زیر نشان داد:

همسان تک پایه‌ای: الف الف الف = □□□□

همسان دولختی: الف ب // الف ب = □Δ // □Δ



افزون بر این وزن‌ها، در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد، مانند بیت زیر:

تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند

حافظ

وزن بیت زیر «مفتعلن مفاعِلن / مفتعلن مفاعِلن» است:

پایه‌های آوایی	تا د ل ه ر ز گ ر د م ن ر ف ت ب چ ی ب ز ل ف ا و
وزن	ز ا ن س ف ر د ر ا ز خ د ع ز م و ط ن ب م ی ک ن د
	مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن
نشانه‌های هجایی	- U - U - U U - - U - U - U U -

خودارزیابی



۱ کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هر یک، وزن آن را بنویسید:

(الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم

بهمنی

(ب) درودی چو نور دل پارسایان بدان شمع خلوت‌گه پارسایی

حافظ

۲ در نمونه‌های زیر، بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:

(الف) الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از شبنم می‌تراود

قیصر امین‌پور



(ب) آیینۀ سکندر، جام می است بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

حافظ

(پ) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

سعدی

(ت) چو دل بر نهی بر سرای کهن کند ناز وز تو بیوشد سخن

فردوسی

۳ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) باغ سلام می کند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

مولوی

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانۀ سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را

حافظ

۴ بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

ای دوست شکر خوشتر یا آن که شکر سازد؟

خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



۵ برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌ها نمونه‌ای بیابید و بنویسید:

الف) مجاز:

ب) استعاره:

پ) تشبیه:

۶ بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.



درس دوازدهم

کنایه

کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همان‌طور که استعاره بر بنیاد مشابهت استوار بود. در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن می‌توان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزوم یکدیگر هستند و با دقت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدّ نظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشنده‌ای است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.



به این بیت توجه کنید:

همّت مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همّت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی‌رونی کردن» راهنمایی می‌شود.
چند مثال دیگر:

● سخن او بر سر زبان‌ها افتاد.

● زاغی از آنجا که فراغی گزید، رخت خود از باغ به راغی کشید

جامی

● اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می‌شکافند.

فیه مافیه مولوی

● بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می‌روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود

سعدی

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می‌شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.



فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می‌دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها

علامه طباطبائی

در این بیت گل‌ها استعاره از شهیدان است؛

اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش

صائب

عبارت‌های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده‌اند.

چند کنایه دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»

دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»

ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»

خود ارزیابی

۱ کنایه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

(الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.

گلستان سعدی

(ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید.

کشف‌الاسرار میبیدی



(پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آینه بود میل تماشا شدن نداشت

سلمان هراتی

(ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنگه که باشم خفته در خاک

نظامی

(ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر

حافظ

(ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیر دو گوید چرا به فرق نیویی

سعدی

۲ مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

(الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت

فردوسی

(ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

مولوی

(پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من

حافظ

(ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

کلیم همدانی

۳ در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم کنایی آنها را بیان کنید.

(الف) ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی

سعدی

(ب) بس بگردید و بگرد روزگار دل به دنیا در نبندد هوشیار

سعدی



(پ) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم

سعدی

(ت) الهی پیشانی برخاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است.

حسن زاده آملی

(ث) در سلطان و شه راروزها بیهوده کوبیدن، دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

محو

۴ ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید.

۵ وزن بیت زیر را بیابید:

زنده به بوی توام، بوی ز من وا مگیر تشنه روی توام، باز مدار از من آب

عراقی





کارگاه تحلیل فصل

۱ دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست	مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست	چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست	گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت
اگر مراد تو قتل است، وارهان ای دوست	مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش
به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست	که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد

سعدی

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها
تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها
آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو
هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها
پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها



با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی
شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای
هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها
هر چند صائب، می‌روم سامان نومیدی کنم
زلفش به دستم می‌دهد سر رشته آمال‌ها

صائب

(الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

(ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

(پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

۲ در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید:

(الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

قیصر امین پور

(ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل
از گل دل کرد.

مرصاد العباد

(پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.

صحیفه سجاده

(ت) مه طاسک گردن سمندت شب طره پرچم سیاهت

چرخ ار چه رفیع، خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راحت

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

(ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست

حسین منزوی



۳ مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

(الف) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

حافظ

(ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

شفائی اصفهانی

(پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

سعدی

۴ در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی‌مانده از تشبیه است؟

(الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

حافظ

(ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

سنایی

۵ در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایی آن را بنویسید.

(الف) به تیغم گر کُشد، دستش نگیرم و گر تیرم زند منت پذیرم

حافظ

(ب) یکی نغزبازی کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

فردوسی

۶ آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید:

(الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند

محمد تقی بهار



(ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

حسین منزوی

(پ) این نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

شفیعی کدکنی

(ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل.

آیتاله حسن زاده آملی

(ث) از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

حافظ

(ج) روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی ماه شبافروز تویی، ابرشکر بار بیا

مولوی

(چ) چون در این آیات تأمل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.

کشف‌الاسرار میبدی

(ح) دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

سعدی

(خ) توقامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته‌است در آغوش آسمان / بالایی ای درخت

سیاوش کسرائی

(د) جهان را سر به سر آینه می‌دان به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان

شیخ محمود شبستری

(ذ) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.

اخوان ثالث



(ر) ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان

ابتهاج

(ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل یک روز خنده کردم و عمری گریستم

شهریار

(ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام

دهی معیری

۷ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آنها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

(الف) اگر تو ز آموختن سر بتابی، نجوید سر تو همی سروری را

ناصر خسرو

(ب) در هوایت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب

مولوی

۸ با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن آنها را بنویسید:

حافظ

(الف) ز چشم شوخ توجان کی توان برد که دائم با کمان اندر کمین است

فردوسی

(ب) نمیرم از این پس که من زنده‌ام که تخم سخن را پراکنده‌ام



۹ با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد

چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم

قیصر امین پور

نِ می دانَم	بِ گو عَش قِ		چ می خا هَد
.....			نِ می دا نَم

۱۰ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها قرار دهید:

الف) بازآمدم بازآمدم، از پیش آن یارآمدم درمن نگر، درمن نگر، بهر تو غمخوار آمدم

مولوی

پایه‌های آوایی				
وزن				
نشانه‌های هجایی				

ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

نظامی

پایه‌های آوایی			
وزن			
نشانه‌های هجایی			



۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) از نظرت کجارود، و برود تو هم‌رهی رفت و ره‌انمی کنی، آمد و ره‌نمی دهی

سعدی

(ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

رهی معیری

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

(الف) در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته‌است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته‌است

سلمان هراتی

(ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها

سنایی

(پ) هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه تر از تازه‌تری می‌رسد

نظامی

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید:

(الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند دریا ب ضعیفان را در وقت توانایی

حافظ

(ب) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست

مولوی

(پ) غمناک نباید بود، از طعن حسودای دل شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد

حافظ



				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی





نیایش

خداوندا، کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری در گوش کرد؟

خدایا، کدامین کهکشان بر گرد تو گشت و واله و حیران تو نگشت؟
معشوقا، کدامین انسان، پیشانی عشق بر خاک ربوبیت تو سایید و دل به دیگری سپرد؟

ای آرزوی دل های آرزومندان؛ ای اشتیاق مشتاقان؛ ای امید امیدواران؛ ای عشق عاشقان؛ آتش عشقت را در خرمن وجودم بیفکن، سبزینه محبت را در برگ های به زردی گراییده وجودم بدوان.

خدایا، به من نگاهی ده که جز روی تو نتواند دید و گوشی که جز صدای تو نتواند شنید.



- آرایه‌های ادبی، هادی، روح‌الله، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- آموزش عروض و قافیه از دریچه پرسش، هادی، روح‌الله، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)، دوره پیش‌دانشگاهی، وحیدیان کامیار، تقی، زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- الهی نامه، عطار نیشابوری، فریدالدین، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران.
- بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، زمانیان، صدرالدین، انتشارات فکر روز، چاپ بنیاد جانبازان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- بهارستان، جامی، عبدالرحمن، به کوشش اسماعیل حاکمی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
- تاریخ ادبیات ایران، رضا زاده شفق، صادق، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲.
- تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱ (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)، یاحقی، محمدجعفر، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- حافظ‌نامه، خزمشاهی، بهاء‌الدین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حدیقه الحقیقه، سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
- خمسة نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- درقلمرو زبان فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، نشر محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- دیوان اشعار حافظ، شمس‌الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان اشعار خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۵۷.
- دیوان اشعار عطار نیشابوری، فریدالدین، به کوشش تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- دیوان اشعار منوچهری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر زوار، تهران، ۱۳۷۵.
- دیوان اشعار ناصر خسرو، به کوشش مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان انوری، ابیوردی، اوحدالدین، تصحیح سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.



- دیوان جامی، نورالدین عبدالرحمن، با مقدمه و اشراف محمد روشن، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیالذین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی، انتشارات سنایی، تهران.
- دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، حواشی و تعلیقات: م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.
- سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، بهار، محمدتقی، نشر زوار، تهران.
- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
- سبک شناسی نثر، شمیسا، سیروس، نشر میترا، تهران، ۱۳۷۷.
- شاهنامه فردوسی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۱.
- عروض فارسی (شیوه‌های نو برای آموزش عروض و قافیه)، ماهیار، عباس، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا، انتشارات آگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- فارسی عمومی، فتوحی، محمود، انتشارات سخن، تهران، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۹۰.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، مؤسسه نشر هما، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، ابوعبدالله شرف‌الدین مصلح، به کوشش محمدعلی فروغی، عباس اقبال آشتیانی، نشر جاودان، تهران، ۱۳۷۱.
- کلیات دیوان وحشی بافقی، با تصحیح محمد عباسی، ناشر فخر رازی، ۱۳۶۸.
- کلیات سوگنامه عاشورایی فدایی، فدایی مازندرانی، میرزا محمود، به کوشش فریدون اکبری شلدره، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- کلبه ودمنه، انشای ابوالعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
- گنج سخن (شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثارشان)، صفاء ذبیح الله، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ ۱۳۷۴.
- گنجینه سخن (پارسی نویسان بزرگ و منتخب آثارشان)، صفاء ذبیح الله، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، تصحیح نیکلسن، با مقدمه قدمعلی سرّامی، انتشارات بهزاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح محتشم (خزاعی)، نسرين، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
- مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- نیایش نامه، برگزیده‌ای از نیایش‌های ادیان و فرهنگ‌ها، رضا باقریان، تهران مؤسسه فرهنگی دین - پژوهی بشرا، ۱۳۷۸.
- وزن شعر فارسی، خانلری، پرویز، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.



معلّمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران – صندوق پستی ۴۸۷۴ – ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

